



موضوع و محتوا: آشنایی بیشتر با حافظ شیرازی، تأکید بر امیدواری و دوری از نومیذی، ارزش راهنما و راهبر، تحمل دشواری‌ها برای رسیدن به خواسته‌ها، توصیه به راز و نیاز و خواندن قرآن.
* این درس، دو بخش (نثر و نظم) دارد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

بخش نخست

بخش نخست درس که نثری است برگرفته از کتاب «حافظ» نوشته بهاء‌الدین خرّمشاهی، به شخصیت و ویژگی افکار بلند حافظ شیرازی می‌پردازد.

*** دیوان حافظ، نامه زندگی و زندگی نامه ماست.**

واژه‌های مهم: دیوان: مجموعه اشعار یک شاعر در یک کتاب. / نامه زندگی: کتاب زندگی.
نکته ادبی: تشبیه.

*** حافظ به ما خوب زیستن و شاد زیستن می‌آموزد.**

دانش زبانی: اجزای این جمله عبارتند از: نهاد+متمم+مفعول+ فعل.
نکته‌های ادبی: تکرار واژه «زیستن».

*** حافظ حکیمی متفکر و تفکر برانگیز است.**

واژه‌های مهم: حکیم: دانشمند، خردمند / متفکر: اندیشه‌کننده، فهیم، خردمند.

*** فرزانه‌ای است با اندیشه‌های عمیق عرفانی و احساس‌ها و عواطف ژرف انسانی.**

واژه‌های مهم: فرزانه: بسیار دانا، دانشمند / عمیق: ژرف / عرفان: معرفت، شناخت حقیقت، خداشناسی / عواطف: جمع مکسر عاطفه = مهر و محبت / ژرف: عمیق.

دانش زبانی: «فرزانه» مسند و «حافظ»، نهاد است.

*** در نگاه و نگرش حافظ، چند مشخصه برجسته دیده می‌شود:**

واژه‌های مهم: نگاه و نگرش: دید و باور، نظر و عقیده / مشخصه: خصوصیت، ویژگی / برجسته: ممتاز، سرآمد، مهم.

درسنامه فارسی نهم (درس هفتم) دبیران ادبیات فارسی شهرستان دلفان

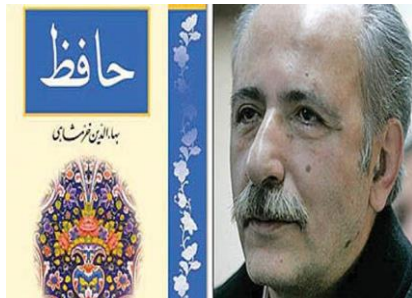
دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زهرا کوشکی

* انتقادی بودن؛ حافظ از همی تباهی یابی که در روزگار او پدیدار شده بود، جوهرانه انتقادی کند.

واژه‌های مهم: انتقاد: نقد کردن، خوب و بد را از هم جدا کردن، بیان درستی‌ها و نادرستی‌ها/ تباهی: خرابی، آشفتگی / پدیدار: آشکار، نمایان / جسورانه: شجاعانه، دلیرانه، با شجاعت.
دانش زبانی: مرجع ضمیر او، «حافظ» است.

* طعنه‌زنی و کارساز؛ برای آنکه انتقادش به طعن و لعن و هجو، شباهت نیابد، انتقادها را با طعنه آمیزد و آن را دلپذیر می‌کند.

واژه‌های مهم: طنز: نوعی نوشته که به ظاهر خواننده را می‌خنداند، اما در پس تبسم، او را متوجه برخی از مسائل و مشکلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... می‌کند. / ظریف: دقیق / طنز ظریف: طنز هوشمندانه و دقیق / کارساز: مؤثر / طعن: طعنه، سرزنش / لعن: لعنت، نفرین / هجو: سرزنش کردن، نکوهش، دشنام / می‌آمیزد: مخلوط می‌کند، ترکیب می‌کند / دلپذیر: دلخواه، پسندیده، خوشایند، دلچسب.



* مهم‌ترین آموزش غیر مستقیم حافظ این است که به مایشوه دست نگاه کردن به

زندگی را می‌آموزد؛ نه اینکه به ما چقدر رهنمود و پند تحویل دهد.

واژه‌های مهم: می‌آموزد: یاد می‌دهد (این فعل به معنای «یاد می‌گیرد» نیز به کار می‌رود) / شیوه: روش، طریقه، سبک / رهنمود: پند، راهنمایی.

* حافظ: «حافظ» عنوان کتابی از بهاءالدین خرمشاهی (نویسنده، مترجم، محقق، طنزپرداز، فرهنگ‌نویس، شاعر و استاد دانشگاه) است. استاد خرمشاهی (زاده ۱۳۲۴ در قزوین) تألیفاتی در قرآن‌پژوهی و حافظ‌شناسی و تفسیر اشعار او دارد؛ همچنین در تدوین دانشنامه تشیع همکاری می‌کند.

بخش دوم



قالب: غزل (قافیه در مصراع اول و مصراع‌های زوج آمده است). ردیف: غم مخور

کلمات قافیه: کنعان - گلستان - سامان - دوران - پنهان - توفان - مگیلان - پایان - قرآن.

۱. یوسف کم‌گشته باز آید به کنعان، غم مخور
کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان، غم مخور

واژه‌های مهم: یوسف: فرزند یعقوب (ع) که به خاطر علاقه فراوان پدر، برادران به او حسد می‌بردند. برای همین او را به صحرا بردند و به چاهی انداختند. کاروانی از آنجا گذشت. یوسف را از چاه بیرون آوردند و به مصر بردند و به عنوان برده فروختند. پس از

درسنامه فارسی نهم (درس هفتم) دبیران ادبیات فارسی شهرستان دلفان

دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زهرا کوشکی

مشکلات و سختی‌های فراوان، یوسف به فرمانروایی (عزیزی) مصر رسید. گم‌گشته: گم‌شده/ بازآید: برمی‌گردد، بر خواهد گشت/ کنعان: نام قدیم سرزمین فلسطین قدیم که حضرت یوسف (ع) اهل آنجا بود. کلبه: خانه کوچک، اتاقک/ احزان: جمع حزن، غم‌ها، اندوه‌ها/ کلبهٔ احزان: ماتمکده، ماتم‌سرا، خانه‌ای کوچک خارج از کنعان که حضرت یعقوب (ع)، پس از گم‌شدن حضرت یوسف (ع)، آن را بنا کرد و در دوری یوسف، در آن دعا و گریه و زاری می‌کرد.

نکته‌های ادبی: مراعات نظیر (یوسف، کنعان، کلبهٔ احزان و...); تلمیح (اشاره به داستان حضرت یوسف (ع)); تضاد (کلبهٔ احزان، گلستان).

دانش زبانی: ۴ جمله/ کلبهٔ احزان: نهاد/ گلستان: مسند (چگونه می‌شود؟ گلستان).

معنا و مفهوم: غمگین نباش، یوسف گم شده (یار تو) دوباره به سرزمین خود (به نزد تو) بر می‌گردد و خانهٔ غم و ناراحتی، روزی مانند گلستان پر از شادی و طراوت می‌شود. (ناراحتی تو به شادمانی تبدیل می‌شود؛ پس نگران نباش)

۲. ای دل غم‌زده، حالت به شود، دل بد کن / وین سرشوریده، باز آید به سامان، غم مخور

واژه‌های مهم: غم‌زده: غمگین/ به: بهتر/ شوریده: آشفته، پریشان/ سرشوریده: فکر آشفته و پریشان/ سامان: نظم، آراستگی، آرامش.

نکته‌های ادبی: تشخیص (شاعر، دل را صدا زده است و با او سخن می‌گوید)/ تضاد (شوریده و سامان)/ کنایه (دل بد کن: کنایه از ناراحت مباح، نترس و «بد به دلت راه نده»).

دانش زبانی: دل غم‌زده: ترکیب وصفی و در نقش منادا است و به تنهایی یک جمله به حساب می‌آید. (بهتر): مسند (چگونه می‌شود؟ بهتر)/ وین: مخفف یا کوتاه‌شده «و این».

معنا و مفهوم: ای دل اندوهگین، ناراحت نباش، زیرا حال و روزت بهتر می‌شود و ذهن و فکر آشفته‌ات، آرام و قرار می‌یابد.

۳. دور گردون، گرد روزی بر مرادما نرفت / دایم یکسان نباشد حال دوران، غم مخور

واژه‌های مهم: گردون: آسمان، روزگار/ دور گردون: گردش روزگار/ دو روزی: مدت کمی/ مراد: آرزو، خواست/ دائماً: همواره، همیشه/ دوران: روزگار.

نکته‌های ادبی: واج آرایی یا نغمه حروف (تکرار حرف «د» و «ر»)/ جناس (گر، بر).

دانش زبانی: ۳ جمله/ دو روزی و دائماً: قید/ یکسان: مسند (چگونه نباشد؟ چگونه نیست؟ یکسان).

معنا و مفهوم: اگر چرخش روزگار، مدت اندکی مطابق میل ما نبود، افسرده نشو؛ زیرا روزگار، همیشه به یک شکل باقی نمی‌ماند.

۴. هان، مژنومید، چون واقف نه‌ای از سرغیب / باشد اندر پرده، بازی‌های پنهان، غم مخور

واژه‌های مهم: هان: بدان و آگاه باش/ چون: زیرا/ واقف: باخبر، آگاه/ نه‌ای: نیستی/ سر: راز (جمع آن اسرار است)/ سر غیب: راز پنهان (رازهای الهی)/ اندر: در.

دانش زبانی: ۵ جمله/ هان: شبه جمله (صوت) به تنهایی یک جمله به حساب می‌آید. / نه‌ای (نیت): فعل اسنادی منفی/ واقف: مسند/ اندر: حرف اضافه/ پرده: متمم/ بازی‌های پنهان: ترکیب وصفی در نقش نهاد.

معنا و مفهوم: آگاه باش و ناامید نشو، چون تو رازهای پنهان خداوند را نمی‌دانی و در پشت پردهٔ روزگار، بازی‌های پنهان (ماجراهای پنهان) فراوانی هست که ما نمی‌دانیم.

۵. ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکنند / چون تورانوح است کشتیان، ز توفان غم مخور

واژه‌های مهم: ار: مخفف اگر / فنا: نابودی / بنیاد: اساس، اصل / طوفان: باران فراوان و شدید.

نکته‌های ادبی: تشخیص (شاعر دل را صدا زده است.) / سیل فنا: اضافه تشبیهی (فنا به سیل تشبیه شده است.) / بنیاد هستی بر کند: کنایه از نابود کردن / تلمیح (اشاره به داستان حضرت نوح (ع)) / مراعات نظیر (سیل، نوح، کشتیان و توفان) / واج‌آرایی یا نغمه حروف (تکرار حروف «ت» و «ن» در مصراع دوم).

دانش زبانی: ار: مخفف اگر / ز: مخفف از (حرف اضافه) / بنیاد هستی: ترکیب اضافی، مفعول / را: فک اضافه یا گسست اضافه (تو را کشتیان: کشتیان تو) / توفان: متمم و «ز» حرف اضافه / نوح: نهاد (نوح، کشتیان تو است.) / توفان: متمم.

معنا و مفهوم: ای دل، اگر فنا و نابودی مانند سیل ویرانگری، پایه و اساس جهان را نابود کند، چون هدایتگری مانند حضرت نوح (ع) داری، نگران نباش.

۶. در بیابان گریه شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش باگر کند خار مغیلان، غم مخور

واژه‌های مهم: شوق: اشتیاق، علاقه / کعبه: خانه خدا در مکه / خواهی زد قدم: قدم خواهی زد / سرزنش: ملامت، طعنه، سرکوفت / مغیلان: گیاه خاردار که میوه‌ای شبیه باقلا دارد. مغیلان، در اصل «أمّ غیلان» (ام + غیلان) بوده است، به معنی مادر غولان و دیوها؛ در گذشته، تصور می‌کردند که گول‌ها و دیوهای بیابانی زیر بوته‌ها پنهان می‌شوند و مسافران و اهل کاروان را گمراه می‌کنند.

نکته‌های ادبی: جناس (در، گر) / تشخیص (سرزنش کردن خار مغیلان) / مراعات نظیر (بیابان و خار مغیلان) / تکرار (گر).

دانش زبانی: گر: مخفف اگر / شوق کعبه: ترکیب اضافی در نقش متمم / خار مغیلان: ترکیب اضافی در نقش نهاد.

معنا و مفهوم: اگر می‌خواهی به شوق رسیدن به کعبه (هدف و مقصود)، در بیابان خطرناک گام برداری، از آزار خار مغیلان (سختی‌ها و دشواری‌های راه) نگران نشو. (برای رسیدن به هدف باید دشواری‌ها را تحمل کنی).

۷. گرچه مثل بس خطرناک است و مقصد بس بعید / بیچ راهی نیست کان رانیت پایان، غم مخور

واژه‌های مهم: بس: بسیار / مقصد: هدف / منزل: محل توقف کاروان، استراحتگاه، جای فرود آمدن / بعید: دور.

نکته‌های ادبی: تکرار (نیست و نیست؛ بس و بس) / مراعات نظیر (راه، مقصد، منزل، بعید و پایان) / واج‌آرایی یا نغمه حروف (تکرار «ی» و «ن» در مصراع دوم).

دانش زبانی: ۵ جمله / کان: مخفف که آن / گرچه: مخفف اگرچه / بس: قید / فعل «است» از پایان مصراع اول به قرینه لفظی حذف شده است: «... مقصد بس بعید [است]» / فعل «نیست» اگر به معنای «وجود نداشتن» به کار رود؛ اسنادی نیست؛ مانند «هیچ راهی نیست: هیچ راهی وجود ندارد».

معنا و مفهوم: اگرچه جای اقامت و استراحت کاروان بسیار خطرناک و مقصد بسیار دور است، ناراحت نباش، زیرا هیچ راهی بدون پایان نیست. (هر راهی، به انتها و مقصد ختم می‌شود).

۸. حافظ! در کج فقر و خلوت شب‌های تار / تا بود ورت دعا و درس قرآن، غم مخور

واژه‌های مهم: کنج: گوشه، زاویه / خلوت: تنهایی / تار: تیره و تاریک / ورت: زیر لب دعا خواندن، ذکر به صورت زمزمه.

نکته‌های ادبی: مراعات نظیر (ورد، دعا و قرآن) / جناس (در، درس) (تار، تا) / واج‌آرایی یا نغمه حروف (ر، آ).

درسنامه فارسی نهم (درس هفتم) دبیران ادبیات فارسی شهرستان دلفان

دکتر احمد کنجوری، ابوالقاسم رستمی، بهزاد شاکرمی، علی منتی و زهرا کوشکی

دانش زبانی: ۳ جمله / حافظ: منادا و «ا»، حرف ندا (منادا یک جمله به شمار می‌آید.) / شب‌های تار: ترکیب وصفی / ضمیر پیوسته «ت» در وردت: مضاف‌الیه (ورد تو).

معنا و مفهوم: ای حافظ! تا زمانی که در گوشه درویشی و تنهایی شب‌های تیره، دعا و قرآن زمزمه می‌کنی، ناراحت و نگران نباش.



حافظ: خواجه شمس‌الدین محمد، حافظ شیرازی، معروف به لسان‌الغیب، غزل‌سرای نام‌آور ایران در قرن هشتم می‌زیست. قرآن را از بر داشت و تخلص «حافظ» را برگزید. آنچه از محتوای شعر حافظ به دست می‌آید، تسلط وی به زبان عربی و تبحر او در علوم کلام، فقه، تفسیر، تاریخ، ادب، موسیقی و... است. آرامگاه او در باغ زیبایی در شمال شهر شیراز واقع شده که به «حافظیه» معروف است.



نکته ادبی (تخلص)

تعریف: معمولاً شاعران، نامی ویژه (نام شعری) برای خود برمی‌گزینند. به این نام «تخلص» می‌گویند.

جایگاه تخلص: تخلص مانند امضا و نشان است که در پایان شعر می‌آید.

علت نامگذاری: تخلص به معنای رهایی یافتن و خلاص شدن است؛ گویی شاعر با سرودن بیت تخلص، از بند سخن آزاد می‌شود.

نمونه تخلص: نام اصلی حافظ، «شمس‌الدین محمد» و نام اصلی شهریار، «محمدحسین بهجت تبریزی» است؛ اما این دو شاعر، در سروده‌هایشان، «حافظ» و «شهریار» تخلص کرده‌اند.

نمونه ابیات تخلص:

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز	مرده آن است که نامش به نکویی نبرند
من شهریار ملک سخن بودم و نبود	جز گوهر سرشک در این شهر، یار من
این سخن پروین نه از روی هواست	هر کجا نور است ز انوار خداست
لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید	مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

نکته: امروزه، شاعران کمتر از تخلص استفاده می‌کنند.